

## نقدی کوتاه بر دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر انتظامی سردفتران و

### دفتریاران

#### داریوش بابایی<sup>۱</sup>

برای محاکمه انتظامی سردفتران و دفتریاران و نیز سردفتران ازدواج و طلاق هر استان یک دادگاه بدوی در اداره ثبت استان و برای تجدیدنظر احکام غیرقطعی دادگاه‌های بدوی دادگاه تجدیدنظر در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تشکیل می‌شود.

**دادگاه بدوی:** طبق ماده ۳۵ قانون ثبت دارای ۳ عضو اصلی و یک عضو علی‌البدل می‌باشد که به شرح ذیل انتخاب می‌شوند:

- ۱ - یکی از رؤسای شعب مدنی دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری
- ۲ - یکی از کارمندان مطلع ثبت استان به انتخاب رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

- ۳ - یکی از سردفتران مرکز استان به انتخاب کانون محل و در صورت عدم تشکیل کانون در محل به انتخاب رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

#### دادگاه تجدیدنظر انتظامی

حکم دادگاه بدوی انتظامی به متخلف و دادستان انتظامی ابلاغ می‌شود؛ در صورتی که حکم مورد اعتراض سردفتر یا دادستان باشد آن هم در احکام محکومیت متخلف انتظامی

که درجه ۳ و یا بالاتر از آن باشد، سردفتر می‌تواند ظرف مدت ده روز نسبت به آن به دادگاه تجدیدنظر اعتراض نماید. این اعتراض تقدیم دادگاه بدوی انتظامی می‌شود و دادگاه بدوی اعتراض سردفتر را به همراه پرونده مزبور به دادگاه تجدیدنظر انتظامی آن که مقر آن در مرکز (تهران) می‌باشد ارسال می‌نماید، ضمناً مدت اعتراض دادستان به حکم صادره ده روز از تاریخ ابلاغ است که این خود ایرادی بر قانون مذکور است چرا که ممکن است سردفتر نتواند لایحه دفاعیه مدارک خود را به هر دلیلی به دادگاه بدوی ظرف مدت ده روز ارائه کند. البته این مهلت تا ده روز دیگر قابل تمدید است ولی اگر دادگاه با تمدید موافقت نکند، آیا یک دادرسی عادلانه خواهیم داشت؟ دادگاه تجدیدنظر از اعضای ذیل تشکیل شده است:

۱ - یکی از رؤسای شعب یا مستشاران دیوان عالی کشور به انتخاب وزیر دادگستری

۲ - معاون سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در قسمت امور اسناد

۳ - یکی از اعضای کانون سردفتران به انتخاب کانون

نکته قابل توجه این است که اعضای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر باید حداقل ۱۵ سال سابقه قضایی یا اداری یا سردفتری داشته باشند و سردفتر نباید محکومیت انتظامی درجه ۴ به بالا داشته باشند. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پایان بن علوم انسانی  
اگر بخواهیم نقدی منصفانه به این دادگاه‌ها داشته باشیم به مواردی چنین اشاره می‌کنیم:

۱ - یکی از بهترین قانون‌ها قانون مصوب سال ۱۳۵۴ سردفتران و دفتریاران است؛

البته از جهت دوام که حدود ۳۱ سال از تصویب آن می‌گذرد، هنوز بر سبک و سیاق قبلی و بر پایه نظام قضایی قبل از انقلاب استوار است. نمونه بارز آن استفاده از واژه‌هایی نظیر وزیر عدلیه است که در حال حاضر اختیارات وزیر دادگستری به رئیس قوه قضاییه تفویض شده است. مورد دیگر اکنون عبارتی در سیستم قضایی ما نظیر دادگاه مدنی استان وجود ندارد و دادگاه تجدیدنظر جایگزین آن گردیده است، علی‌ای حال موقع آن رسیده است که قانون ثبت و دفاتر اسناد رسمی به روز شود و از اصطلاحاتی که در نظام حقوقی ما

جایگاهی ندارد از قانون حذف گردند. البته همه اینها مشروط بر این است که قانونی جامع و کامل با استفاده از متخصصان فن وضع گردد و با هر تغییر و تحولاتی دچار تزلزل و دگرگونی نگردد.

۲ - یکی از اعضای دادگاه‌های بدوی یکی از کارمندان مطلع می‌باشد، که توسط ریاست محترم سازمان ثبت انتخاب می‌شود و اگر در این مسئله دقت بکنیم می‌بینیم این شخص در تمامی استان‌ها شخص مدیر کل ثبت می‌باشد در صورتی که اگر به مسیر جریان آیین دادرسی انتظامی سردفتران نگاهی داشته باشیم متوجه این امر می‌شویم که پس از بازرسی کلی یا رسیدگی به شکوائیه علیه سردفتران و دفتریاران توسط بازرسان ثبت محل یا استان نهایتاً این شخص مدیر کل ثبت است که رسیدگی و اظهارنظر نهایی را می‌کند و پس از بلامانع بودن گزارش بازرسی برای کارشناسی و رسیدگی به امور اسناد سازمان ثبت ارسال می‌گردد. حال آیا شخصی که در پرونده یک بار اظهارنظر می‌کند برای بار دوم نیز می‌تواند به همان پرونده رسیدگی و اظهارنظر نماید؟ چون طبق ماده ۲۰۸ آیین دادرسی مدنی از موارد رد دادرسی می‌باشد. با این توضیح دو فرض می‌توان تصور کرد؛ اول اینکه منظور: یکی از کارمندان مطلع ثبت کارمندی باسابقه بالا موردنظر قانونگذار بوده است، دوم عکس این قضیه اظهارنظر مدیر کل را از موارد رد دادرسی ندانیم. انتخاب عضو سردفتر دادگاه بدوی یکی دیگر از ایرادات این قانون و ماده ۳۵ دفاتر اسناد رسمی می‌باشد چرا که در استانی که کانون سردفتران هنوز مجوز تأسیس نگرفته انتخاب عضو سردفتر واجد شرایط به پیشنهاد مدیران محترم اداره کل ثبت اسناد و املاک استان و انتصاب آن توسط ریاست محترم سازمان ثبت اسناد و املاک کشور صورت می‌گیرد.

با نگاهی موشکافانه‌تر متوجه می‌شویم سردفتری که توسط سازمان ثبت انتخاب می‌شود شاید نتواند به طور جدی از حق و حقوق سردفتران و دفتریاران در این دادگاه دفاع نماید؛ در واقع نقش اصلی و محوری را عضو ثبتی این دادگاه ایفا می‌کند. مع‌الوصف در استان‌هایی که کانون تشکیل نشده است جوامع تشکیل شده سردفتران در استان‌ها را نیز

در این انتخاب دخیل کنیم و یا موجباتی را فراهم کنیم که کانون سردفتران در استان‌ها تشکیل شود.

۳ - ایراد دیگری که بر ماده ۳۶ قانون وارد است آن است که شرط سابقه شغلی لازم برای عضویت در دادگاه انتظامی ۱۵ سال قید شده است و در حالی که برابر ماده ۱۲ قانون دفاتر اسناد رسمی شرط عضویت در هیئت مدیره کانون حداقل ده سال سابقه شغل سردفتری می‌باشد و از آنجایی که یکی از شرایط عضویت در دادگاه تجدیدنظر انتظامی توسط سردفتران، عضویت در هیئت مدیره است، ناگزیر در این خصوص مقررات دچار تعارض و دوگانگی گردیده و ممکن است تمامی اعضاء هیئت مدیره کانون کمتر از ۱۵ سال سابقه شغلی داشته باشند، لذا با توجه به مفاد ماده ۳۶ قانون که شرط مدت سابقه شغلی برای عضویت در دادگاه لازم خواهد بود و در نتیجه دادگاه تجدیدنظر انتظامی تشکیل نخواهد شد زیرا یکی از اعضای دادگاه عضو هیئت مدیره کانون سردفتران می‌باشد و بنابراین یکی از مواردی که نیاز به اصلاح در آن احساس می‌شود همین مورد اخیر است.

۴ - همان‌طور که قبلاً بحث شد دادگاه بدوی در مراکز استان‌ها و دادگاه تجدیدنظر در تهران تشکیل می‌شود، بنابراین خود این مسأله باعث بروز مشکلاتی گردیده است از جمله آنکه امکان حضور سردفتر در مقام دفاع از خود و یا پیگیری پرونده خود میسر نمی‌باشد و سردفتر یا دفتریار متحمل هزینه‌ای زیاد و سرگردانی می‌شود. چه بهتر بود مانند محاکم دادگستری یا مالیاتی مراجع تجدیدنظر نیز در استان‌ها تأسیس می‌گردید و با توجه به حجم پرونده‌ها در مرکز (مرجع تجدیدنظر) می‌تواند در مرکز، شورا یا مرجعی مانند شورای عالی مالیاتی تشکیل شود و درباره پرونده‌ای که دادگاه تجدیدنظر استان‌ها اظهار نظر نموده و احکام قطعیت یافته، این آراء را از باب شکلی - که مطابق با قوانین و مقررات و رعایت آیین‌نامه می‌باشد - بررسی نماید و در صورت نقض رأی دادگاه تجدیدنظر پرونده جهت بررسی بیشتر به شعبه هم عرض - اگر در آن استان موجود باشد و اگر نباشد - به نزدیک‌ترین استان همجوار ارجاع گردد.

۵- وابستگی اعضای دادگاه بدوی و تجدیدنظر به سازمان ثبت مطلب دیگر است. در جریان پرونده انتظامی که منجر به صدور رأی می‌گردد مبلغ ۴۰۰۰۰ ریال به اعضای توسط اداره کل ثبت اسناد و املاک استان از محل اعتبارات و بودجه آن اداره پرداخت می‌گردد که احیاناً موجب نقض استقلال در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود.

۶- وابستگی اعضای دادگاه بدوی و تجدیدنظر به سازمان ثبت و احیاناً عدم استقلال در قضاوت و تصمیم‌گیری باعث مشکل دیگری گردیده که متأسفانه سردفتر انتصابی در دادگاه‌های بدوی نتواند و یا به عبارت دیگر نخواهد جهت تزلزل موقعیت خود به طور جدی از صنف خود دفاع کند.

البته این دادگاه‌ها (بدوی و تجدیدنظر) در سال‌های اخیر از لحاظ موقعیت جایگاه مناسب‌تری یافته‌اند که همین مسأله صاحب‌نظران، مسئولین عالیرتبه و دانش‌پژوهان حقوق ثبت را بر آن داشته که از جهت اصلاح و بهبود این مراجع شبه قضایی دست به اقدامات مؤثری بزنند.

منابع و مأخذ:

۱- قانون ثبت

۲- مجله کانون شماره‌های ۵۰ الی ۵۲ - نقدی بر آیین دادرسی و دادگاه‌های انتظامی

سردفتران و دفتریاران خسرو عباسی داکانی